

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۳۱ جنوری ۲۰۲۳

مصاحبه پیام فدائی با یکی از جوانان درگیر خیزش انقلابی اخیر

پیام فدایی: به عنوان جوانی که در اعتراضات پس از ۲۵ شهریور (۱۴۰۱) شرکت داشته لطفا هر طور که صلاح می دانید خود را معرفی کنید؟

پاسخ: جوانی هستم حدودا چهل ساله عاشق وطن و در جستجوی آزادی ناامید از گذشته و امیدوار به آینده.

پرسش: به این ترتیب شما دلتان جوان است و نه سنتان! البته خود این هم نشان می دهد که پس مسن ترها هم در میدان این کارزار حضور دارند. اینطور نیست؟

پاسخ: اکثر کسانی که حضور داشتند همه زیر چهل سال بودند. یعنی در زمان حکومت جمهوری اسلامی به دنیا آمده اند. به ندرت متولدین دهه ۵۰ و ۴۰ را در میدان می دیدیم. البته لازم می دانم و دوست دارم در ادامه بگویم که از تجربیات و شنیده های خودم که کسانی را می شناسم که همراه با خانواده یعنی حتی با مادر و خاله و مادر بزرگ به تظاهرات می رفتند. یا از راننده اسنپی بگویم که می دانست فرزندش در تظاهرات است و وقتی ازش پرسیدم چطور راضی می شوی. گفت نمی توانم جلوی رفتنش رو بگیرم، من نمی توانم برای آیندش کاری کنم و دقیقا این عبارت را استفاده کرد که به همین دلیل هم نمی توانم بگم نره.

پرسش: می دانید که اعتراضات مردمی از ۲۵ شهریور یعنی روز به قتل رسیدن ژینا (مهسا) امینی در تهران شروع شد. شما کی و کجا در تظاهرات های از آن روز به بعد شرکت داشتید؟

پاسخ: هفته اول اعتراضات با جمعی از دوستان هم محله به میدان انقلاب می رفتیم و با همه گیر شدن آن در منطقه ۵ بلوار فردوس و صادقیه جمع می شدیم بعضی از شب ها در خیابان ها با بوق ممتد ماشین اعتراض می کردیم.

پرسش: به عنوان کسی که از نزدیک شاهد رویدادها بوده اید ترکیب شرکت کنندگان را چگونه دیدید؟

پاسخ: اکثرا جوان بودند و یکدیگر را می شناختند و مشخص بود از محله های دیگر و به صورت گروهی برای تظاهرات آمده بودند اندکی ناهماهنگی و نبود رهبری در حرکات این جوانان احساس می شد ولی برای هدف مشترک دور هم جمع شده بودند و اعتراض کردن برایشان اصلی بود.

پرسش: زیاد شنیده می شود که اعتراضات را می کوشند به حجاب اجباری نسبت داده و محدود کنند آیا مطالبات دیگر مثل نان و کار و مسکن برای مردم مطرح نبود و یا نیست؟ این "هدف مشترک" را هم بیشتر توضیح دهید؟

پاسخ: حجاب تنها یک بهانه است و یک آرمان مشترک میان تمام تظاهر کننده ها؛ البته مشکلات مالی در راس همه مسائل وجود دارد و همه از آن رنج می برند. ولی حجاب یک نماد مهم برای جمهوری اسلامی می باشد و ساده ترین راه نشان دادن خشم و اعتراض همین برداشتن حجاب می باشد.

پرسش: مشاهده فیلم هائی که از تظاهرات ها در فضاهای مجازی منتشر شده از روحیه بسیار بالای مردم و جوانان خبر می دهد این واقعیت را شما چگونه دیدید؟

پاسخ: با توجه به فیلم های زیادی که در اینجا دیدم، تصاویر زیادی هستند که یا ضبط نشده اند و یا شاهد عینی نداشتند. تصاویری که نشانگر شهامت و شجاعت جوانان در خیابان ها می باشند. فیلم هایی که ما می بینیم تنها بخشی از تصاویر زیبایی است که در خیابان ها وجود دارد. در ایران جو بسیار انقلابی تر و پر شور تر از صحنه های فیلم هایی است که در فضای مجازی قرار داده شده است.

پرسش: شرکت زنان و دختران جوان را چگونه دیدید؟

پاسخ: به شخصه شگفت زده شدم وقتی می دیدم اکثریت را خانم ها تشکیل می دهند و همه پرچمدار بودند و رهبری می کردند، خیلی شجاعتر از پسر ها تو دل نیروهای سرکوب می رفتند.

پرسش: شرکت مردها و پسران جوان را چگونه دیدید؟

پاسخ: مردها کمی با احتیاط و محافظه کاری ولی همراه خانم ها در صف اول بودند. متأسفانه دغدغه های مالی همه را به خصوص آقایان را درگیر کرده و به خاطر ترس از آینده و مسائل اینچنینی آقایان کمتر از خانم ها شرکت می کردند.

پرسش: ولی بر اساس فیلم های موجود و گزارشات میدانی بخش بزرگی از تظاهرکنندگان را جوانان پسر به خصوص بیکاران تشکیل می دهند. در این مورد چه می گویند؟

پاسخ: این امر را انکار نمی کنم اما بنده تنها مشاهدات خودم را برای شما بازگو کردم و هنوز هم معتقدم بانوان بسیار رادیکال تر از آقایان هستند. یادم هست در اکیبی که بودیم خانم ها حتی برای صرف قهوه و چای هم حاضر نبودند به کافی شاپ بروند، چون معتقد بودند باید آنها را به خاطر عدم پیوستن به اعتصابات تحریم کنیم.

پرسش: همانطور که می دانید بیشتر تظاهرات ها در محله ها برگزار می شود آیا در این فاصله شرکت و همکاری در این اعتراضات به نزدیکی و ایجاد رابطه بین جوانان منجر شده است؟

پاسخ: بله، به شخصه دوستانی را پیدا کردم که قبلاً روابطی در حد سلام علیک در محله داشتیم اما با شناخت قبلی از طریق فضای مجازی با روحیات هم آشنا بودیم و ترسی از ابراز عقیده نداشتیم. روزهایی که تظاهرات نمی رفتیم زمانی که اینترنت قطع بود و از هم بی خبر می شدیم با هم تماس می گرفتیم و حال هم را جویا می شدیم.

پرسش: برخورد نیروهای انتظامی با تظاهرکنندگان را چگونه دیدید؟

پاسخ: از مردم می‌ترسند و خیلی از موضع ضعف با ما مواجه می‌شدند، در اکثر مواقع خیلی درگیر نمی‌شدند. البته به ظاهر که مثلاً صرفاً برای حفظ نظم اینجا هستیم.

پرسش: پاسخ شما کمی عجیب به نظر می‌رسد. در جریان این خیزش انقلابی هزاران نفر کشته و مجروح و دستگیر شده‌اند. این واقعیت که غیرقابل انکار است نشان می‌دهد که اتفاقاً نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی خیلی هم با وحشیگری برخورد کرده و می‌کنند. تنها به خاطر بیاورید که در جمعه خونین زاهدان این نیروها بیش از ۱۰۰ نفر را در یک روز کشتند. آیا این توضیح را قبول دارید؟

پاسخ: اگر منظور شما نیروهای سرکوب هستند بله. من هم با شما کاملاً موافقم. ولی در ایران ما یک نیروی انتظامی داریم که به ظاهر مأمور انتظامات و برای برقراری نظم ایفای نقش می‌کند. هرچند که آنها نیز در جنایت رژیم شراکت می‌کنند.

منظور از سوال شما را اینگونه برداشت کرده بودم که در مورد آنها صحبت می‌کنیم. والا هر سه گروه سپاه، نیروی انتظامی و بسیج در جنایت از یکدیگر سبقت می‌گیرند. اما نیروی انتظامی که اعضای آن اکثراً از افراد بیسواد و پایین جامعه هستند، در صف سوم حمله به تظاهر کنندگان قرار دارند.

پرسش: در مقطعی نیروهای انتظامی که در جریان این خیزش ده‌ها نفر را کشته بودند برای تطهیر چهره خود شروع کردند به مردم گل دادن. برخورد مردم با این حرکت چطوری بود؟

پاسخ: حرکات نخ نما شده و مضحک که من از سپاه هم دیدم. که راه را بسته بودند و به مردم گل می‌دادند نیروی انتظامی، سپاه و بسیج از نگاه مردم یکی هستند فقط با رنگ لباس متفاوت.

پرسش: خود این امر نشان می‌دهد که آنقدر سپاه و بسیج و لباس شخصی‌ها جنایت کرده‌اند که چنین ترفند هانی فقط باعث مضحکه بیشتر می‌شود؟

پاسخ: یادم هست زمانی که در ایست بازرسی به مردم گل می‌دادند کسی گل‌ها را نمی‌گرفت و یا پر پر می‌کرد و به زمین می‌انداخت.

پرسش: نظر جوانان در رابطه با نیروهانی که در خارج از کشور مدعی تلاش برای رهبری این اعتراضات هستند چه می‌باشد؟

پاسخ: بر خلاف جریانی که در خارج از کشور می‌بینم مردم در ایران خیلی درگیر شاه و رهبر و پرچم و جناح نیستند، تنها تلاششان برای به دست آوردن ابتدایی‌ترین حقوق انسانی می‌باشد که توسط رژیم از آنها گرفته شده است. مردم همه امیدشان بر این است که کسی اعتراضات را رهبری کند. حتی اگر از خارج کشور باشد؛ اما بتواند مردم را یک دست و امید را در دلشان تزریق کند.

پرسش: خیلی‌ها این خیزش را بخشی از خیزش گرسنگان می‌دانند. که البته برخی‌ها هم آن را پیش‌بینی می‌کردند. آیا نان و کار و مسکن هم بخشی از آن "حقوق انسانی" است که جمهوری اسلامی آنها را از مردم گرفته است؟

پاسخ: مسلماً بله، درد مشترک همه مردم در ۹۹ درصد جامعه مسئله معیشتی و کار است. هر روز خبر بد می شنوید. یک اتفاق بد می افتد اگر قانون جدیدی وضع شود؛ زندگی را به مردم سخت تر می کند. ایران جزو کشورهایی است که در آن خبر خوب کیمیا شده است.

پرسش: آیا اساساً جوان ها چنین نیروهائی را می شناسند؟

پاسخ: جز مجاهدین آن هم به خاطر صفات منفی و البته رضا پهلوی به خاطر پدر و پدر بزرگش اسم دیگری مطرح نمی شود. شاید تا دی ماه ۹۶ وزنه به سمت رضا پهلوی سنگینی می کرد ولی الان مردم از او هم دلسرد شده اند.

پرسش: آیا همین دلسردی باعث شده که دیگر شعار "رضا شاه روح ات شاد" شنیده نشود؟ و برعکس شعار "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر" بیشتر طنین انداز شود؟

پاسخ: بله. به شخصه معتقدم تا دی ماه ۹۶ رضا پهلوی جزو امیدهای مردم برای تغییر رژیم بود. به شخصه معتقدم اپوزیسیون های خارج از کشور نتوانستند با مردم داخل ارتباط درستی برقرار کنند و فاصله زیادی با خواسته های ملت و نبض جامعه دارند.

پرسش: همانطور که می دانید خیزش اخیر جنبشی خودجوش و فاقد رهبری است. برای شکل دادن به یک رهبری برای هدایت این خیزش در میان جوانان چه نظراتی مطرح است؟

پاسخ: به خاطر سرکوب شدید و جو امنیتی وسیع در داخل کشور تشکلی وجود ندارد. البته انتظاری هم از کسی نمی رود. به خاطر عدم آگاهی سیاسی کافی و نبود تشکل های سازمان یافته در داخل طبیعتاً مردم حاضرند به هر کس و هر جا که می شود چنگ بزنند. برای همین هم گاه چشم ها به خارج از کشور دوخته می شود. به همین دلیل هم اسم هایی مطرح می شود. نظیر حامد اسماعیلیون و نور پهلوی و یا مسیح علی نژاد. به واقع فرقی نمی کند کی باشد آنچه مهم است تنها امتداد و حفظ این حرکت می باشد که برای آنها اهمیت دارد. این را هم بگویم که تلاش نیروهای خارج برای مردم ایران مایه دلگرمی می باشد.

پرسش: بدون انکار رشد سطح سواد و شعور جامعه و جوانان اما نباید فراموش کرد که همین امروز هم قدرت های بزرگ دارند خود را برای تکرار همان داستان سال ۵۷ آماده می کنند و گاه هم می بینیم که عده زیادی فریب آنها را می خورند. از اینهایی که نام بردی آبی برای مردم ستمدیده گرم نمی شود. به واقع همان هائی که عکس خمینی را به ماه بردند امروز هم دارند اینها را به شکل دیگری تو ماه می برند. این واقعیت را نباید فراموش نمود.

پاسخ: خیلی ها این انقلاب را با انقلاب ۵۷ را مقایسه می کنند. خیلی ها آن را به چشم یک شکست و خیلی ها هم به عنوان نماد پیروزی می دانند. معتقدم جریان های فرهیخته و سیاسی در خارج باید وارد عمل شده و از علم و تجربه برای هدایت درست این جریان سود جست و به کمک مردم بیایند. انصافاً این دو واقعه شباهت های زیادی نیز با هم دارند. مثل ۱۷ شهریور ها، مثل اعتراضات دانشجویی، مثل برگزاری مراسم چهلم ولی بدون عطر و بوی مذهبی. امیدوارم پس از سقوط جمهوری اسلامی همه احزاب بتوانند در یک رای گیری آزاد در انتخابات شرکت کنند. می دانم شاید خیلی خوشبینانه است اما باید بپذیریم الان شرایطی نیست که منتظر باشیم همه اتفاقات از داخل ایران رقم بخورد.

این تصور عمومی مردم درمانده است و قطعاً احساسی و از سر ناچاری می باشد. اما به شخصه اعتقاد دارم انقلاب همیشه هرج و مرج خود را دارد و نمی توان آن را به طور ۱۰۰ درصد در مسیر دلخواه اداره کرد.

پرسش: با سپاس فراوان از شما که به پرسش های ما پاسخ دادید. اگر مورد دیگری هست که مایلید با خوانندگان ما در میان بگذارید بفرمائید؟

پاسخ: الان زمان زورآزمایی خیابانی و جنگ پرچم نیست همه ما یک هدف داریم انقلاب ۵۷ یک تجربه تلخ برای فعالین سیاسی بود و قرار نیست در سال هزار و چهارصد و یک هم تکرار شود سطح سواد و شعور عموم جامعه طوری بود که جنایتکاری مثل خمینی را در ماه می دیدند. اما امروز جوانانی که با تکنولوژی و علم بزرگ شدند درک بهتری از آلترناتیوها و رهبرهای سیاسی دارند من فقط جریان های سیاسی را به اتحاد دعوت می کنم.